



۲۰۱۷/۱۱/۱۴

مسئولیت این نوشته به دوش نویسنده است



ولی احمد نوری

بیهودگی دفاع حامیان از جنایات ضد بشری دار و دسته خلق و پرچم

یادداشت: این نوشته چهار سال قبل بعد از نشر مقاله عالی، ملی، تحقیقی جناب رحمت آریا فرزند اصیل، وطنپرست و دانشمند کشور در افشای جنایات دار و دسته خلق و پرچم حزب به اصطلاح دیموکراتیک، در سال ۲۰۱۳ میلادی از این قلم رقم شده بود و در همان وقت در همان وبسایتی که نوشته جناب رحمت آریا طبع شده بود، در معرض مطالعه خوانندگان قرار گرفت. اکنون که مقاله عالی و حقیقت گویی نویسنده فریخته و صدیق افغانستان جناب حمید انوری زیر عنوان «شتر در خواب بیند پنبه دانه» به تاریخ ۲۷ آگست همین سال جاری در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین نشر گردید و همچنان در ستون نظرات گذاشته شد و تا امروز طرف مطالعه و قضاوت هزاران تن خواننده با شرف و عزت افغانستان در سراسر جهان قرار گرفته است، جا دارد که آن نوشته ناچیز این کمترین که پیرامون عین موضوع رقم شده است دوباره به دست نشر سپرده شود. و آن این است:

*** **

مقاله عالی، برجسته و منحصر به فرد جناب رحمت آریا که سندی است مهم و تأریخی و در نوع خود بی نظیر، خدمتی است سترگ که از طرف یک فرزند اصیل، وطنپرست و دانشمند کشور عرضه شده است. جا دارد از این همه زحمات شباروزی ایشان ممنون و سپاسگزار بوده و موفقیت های بیشتر شان را در راه خدمت به افغانستان عزیز آرزو نمائیم. این نوشته تحقیقی جناب رحمت آریا که تحت عنوان «پنج هزار شهید بی مزار و بی کفن» به تاریخ ۲۴ اکتوبر ۲۰۱۳ در وبسایت افغان جرمن نشر شده در باره افشای اسناد جرایم ضد بشری حاکمیت حزب باصطلاح دیموکراتیک، اشارتی دارد در مورد اینکه چه کسانی خواهند بود تا از این کار نامه های جنایت کاران دفاع نمایند، آری هستند نواتی که در برابر این اسناد مؤثق و غیر قابل انکار مقاومت می کنند و تا هنوز از خریطه ایدئولوژی خود بیرون نیامده اند و در صدد توجیه آن همه سیاه کاری ها می باشند، بدون هیچ گمانی این آقایان خود در دوسیه های مرتبط به جنایات ضد بشری حاکمیت ایشان محل و جایگاهی دارند، پس دفاع از سردمداران حزب باصطلاح دیموکراتیک به نحوی حمایت از منافع اینان نیز خواهد بود.

آقایان بصیر بهزاد و شاه محمود حصین در زمره آنانی اند که حتی بر صحیح بودن لیست ها شک کرده اند.

■ - آنچه مسلم است اینکه در واقعی بودن لیست ها هیچ تردیدی وجود ندارد، حتی همان هایی که به احتمال زیاد در این قضایا به حیث فاعل اجرایی درگیر بوده اند، مصدق واقعی بودن آن اند، مگر آن را دارای نواقص و نا تکمیل می دانند، مانند آقای حصین که تعدادی را زندگان شامل لیست مردگان نامیده و عده ای به صفت یک گروپ و عده ای را هم به حیث جواسیس پاکستان و ایران قابل سر بریدن دانسته است، آقای حصین باید بداند که برای تأمین عدالت تنها مظنونیت یک شخص کافی نیست، باید مجرمیت او بر اساس قوانین معیاری حقوق بشری و در جریان یک محاکمه منصفانه با داشتن حق کامل دفاع و حق استیناف خواهی چند مرحله یی و سایر لازمه های عدالت به اثبات برسد، ولو شخص مظنون جاسوس باشد، این استنباط آقای حصین مؤید این واقعیت تلخ است که کشتار و سربریدن بدون محاکمه و اثبات جرم، در آن رژیم یک اصل و ضابطه معمول بوده است، یعنی قتل و کشتارهای دسته جمعی بدون هرگونه پرسان و جویان توسط همان ارگان های که دقیقاً باید محافظت جان و سلامت مردم باشد، ارتکاب یافته است. اما آقای حصین تا هنوز از دیدار کشمیر پائین نیامده است، تا واقعیت را ببیند، که دگر در برابر خارنوالی هالند در موقفی قرار ندارد که از آنان بخواهد تا لیست ها را تصحیح کرده و اعتبار حقوقی ببخشد، مگر آقای حصین به حیث چه کسی چنین تقاضایی را از خارنوالی هالند به عمل می آورد، آیا شما هم مثل اعظم سیستانی عضو مهم شورای انقلابی وطن فروشان بوده اید؟ حصین باید حالی شود که آن ارگان قطعاً یک دفتر پولیسی حاکمیت خلقی و پرچمی نیست که دستور آقای حصین و سردمداران پرچم را تعمیم کند، چنین تقاضایی را فقط امر مافوق و یا قاضی به عمل آورده می تواند، البته بعضی اشخاص دیگر هم حق چنین تقاضایی را دارند، این اشخاص متهم و وکیل او هستند و شما آقای حصین نه امر مافوق آنجا هستید و نه قاضی، پس باید حتماً یا متهم باشید و یا وکیل متهم، و برای وکالت هم تخصص و جواز لازم است که شما ندارید، پس برای جناب شما همان جایگاه متهم باقی می ماند.

■ عجب است صدای منطق شما محتملاً از جایگاه اصلی شما به گوش می رسد. اما فراموش کردید که تصحیح آن لیست ها از وظیفه خارنوال هم نیست آن لیست ها یا توسط ترتیب کنندگان اصلی آن و یا توسط اهل خبره دیربپت مورد تأیید و تصحیح قرار گرفته می تواند و بس.

در اینجا باز هم یک پرسش باقی می ماند که شما با این لیست ها آشنایی زیادی را در ذهن خواننده نوشته تان القاء می کنید.... شما لیست را شاید قبلاً دیده باشید و به آن آشنا باشید...

مگر آقای حصین! شما در مباحثات علمی ای که در رسانه ها صورت می گیرد و از نظر شما « بازار جنگ و جدل های بیهوده و تباه کن لفظی می باشد.

مگر شما آقای حصین! آیا اصطلاح « گستاخی » را در آن « جدل های بیهوده!! » دیده اید؟؟ آری شما حق دارید از این مباحثات نفرت داشته باشید زیرا که در نظام های دیکتاتوری خلقی شما و پرچمی ها مباحثات آزاد علمی جرم بوده است و چه بسا که تعدادی از شاملین آن لیست به سبب استفاده از این حق سر های خود را از دست داده باشند.

شما که به خود اجازه استعمال این کلمه « گستاخی » را داده اید، محصول نظام ایدئولوژی حزبی شماست. آقا! از نگاه ما گستاخ یک دشنام است و شما این را بیاموزید.

■ اما آقای بصیر دهنراد (که خود را حقوقدان و سردمدار «انجمن حقوقدانان افغان مقیم اروپا!؟» (**)) نیز معرفی می کند (چگونه خویش را لبریز از عواطف آدمی نشان داده و مدعی است که آن زن مظلوم به خاطر قبولی پناهندگی خود را کارمند خاد معرفی کرده بود.

آقای دهنراد! اگر شما حقوق دان هستید باید می دانستید که ثبت یک چنین اعترافی در محکمه یک جامعه حقوقمدار چه سند با اهمیتی محسوب می شود، و باز اگر شما حقوقدان هستید باید می دانستید و بدانید که استنباط شما از «شکنجه» کاملاً مغایر به تعریف شکنجه است که در ماده ۱ میثاق « شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و موهن» دسامبر ۱۹۸۴ میلادی ملل متحد است، به گمانم در تهمت زدن به خود «به حیث حقوقدان» حتماً "شوخی" کرده اید...

■ دامنه ارتکاب جنایات علیه بشریت در کشور مصیبت زده ما چنان وسعت دارد که با مبادلات چنین نوشته جات وحشت زده و توأم با دست پاچگی قابل دفاع و ترمیم نخواهد بود، همانطوری که جناب غوربندی فرموده اند، یکی از مستی و وارخطایی قهقه می زند و دیگری با چهره کاملاً حق به جانب پا بر سر خون هزاران هموطن ما گذاشته و با خونسردی از آن چشم می پوشد.

آنچه که در پایان این نوشته می خواهم بیافزایم، این است که ما دگر در دورانی زندگی نمی کنیم که مجرمین از چنگ و تعقیب قانون فرار کرده بتوانند. مدافعین جنایت کاران هم باید منتظر مجازات خویش باشند، ولو هر ماسکی هم برچهره بزنند.

شنیده بودم که «انجمن حقوقدانان افغان مقیم اروپا!!» توسط چند تن پرچمی و خادیست اشغال شده و این انجمن را محل حمایت مجرمین ضد بشری قرار میدهند، حالا فرصت جدی پیش آمده است تا این به اصطلاح انجمن حقوقدانان از حقانیت خویش دفاع کرده و آن را با پیوستن به صفوف مظلومان به اثبات برساند و صریحاً جنایات جنگی و ضد بشری حزب دیموکراتیک را محکوم کرده و موقف بیطرفانه، انسانی و حقوقی خویش را به اثبات برساند و اگر نه این انجمن !! یک باند خود ساخته خادیست ها خواهد بود و نیز باید موقف گیری بصیر دهنراد را در این قضایا محکوم کرده و وی را از این انجمن!! طرد و اخراج نمایند.

در تهیه این نوشته از نگاه مسائل حقوقی که رشته این حقیر نمی باشد، دوست حقوقدان و دانشمند جناب ف، هیرمند با من کمک شایانی نموده اند که از صمیم قلب از ایشان ممنون و سپاسگزارم. قلم شان را همیشه بران و درخشان می خواهم. ۲۰۱۳/۱۰/۳۱

نوت: فردا نوشته دیگری پیرامون ۵۰۰۰ مقتول دار و دسته خلق و پرچم حزب به اصطلاح دیموکراتیک در همین وبسایت خدمت خوانندگان گرانقدر تقدیم خواهم کرد که این معروضه هم در ۲۰۱۳ میلادی نشر شده است.